

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« دانشگاه علامه طباطبائی »

« دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی »

« پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته مشاوره مدرسه »

عنوان :

اثر بخشی آموزش والدین با برنامه استپ (گام به گام) مبتنی بر رویکرد آدلر –

درایکورس بر بهبود تعامل مادر – فرزند در کودکان با اختلال رفتاری

استاد راهنما :

دکتر حمید علیزاده

استاد مشاور :

دکتر ابوالفضل کرمی

استاد داور :

سرکار خانم دکتر خدیجه آراین

پژوهشگر :

زهرا سروی

شهریور ۱۳۸۲

در این لحظه، به مدد حضرت حق رساله خود را به

انجام رساندم، آن را به دو گوهر آسمانی پدر و مادرم و نیز

به بهترین دوست عرصه زندگیم، یار و همراهم، همسرم و به

فاطمه کوچکم (عشقم) که از درگاه خداوند برایش سربلندی

و خوب زیستن خواهانم، تقدیم می‌نمایم.

بدینوسیله از استاد گرامیم، جناب آقای دکتر علیزاده که با

رهنمودهای ارزشمند خود اینجانب را در طراحی و تدوین این رساله

یاری نمودند و از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر کرمی که همواره در

این راه یاریگرم بودند و بی‌شائبه کمکهای بی‌دریغ خود را ارزانی داشتند

تقدیر و تشکر می‌نمایم.

و از استاد محترم سرکار خانم دکتر آرین که داوری این پژوهش

را پذیرفتند تشکر می‌نمایم.

به امید آنکه تلاشهای ما به اندازه کافی ارزشمند بوده و برای

کودکان سرزمینم ایران مفید باشد.

فهرست مطالب

| | |
|--------------------------------------|----|
| چکیده | ۴ |
| فصل اول : چارچوب | |
| ۱. مقدمه | ۶ |
| ۱. بیان مسئله | ۸ |
| ۲. ضرورت تحقیق | ۱۱ |
| ۳. متغیرهای پژوهش | ۱۲ |
| ۴. هدف تحقیق | ۱۲ |
| ۵. فرضیه تحقیق | ۱۲ |
| ۶. تعریف مفاهیم | ۱۳ |
| ۱. آموزش والدین با برنامه استپ | ۱۳ |
| ۲. تعامل مادر - کودک | ۱۴ |
| ۳. اختلال‌های رفتاری | ۱۴ |
| فصل دوم : پیشینه تحقیق | |
| ۱. مبانی نظری رویکرد آدلر - درایکورس | ۱۷ |
| ۱. مقدمه | ۱۷ |
| ۲. روان‌شناسی فردی‌نگر | ۱۷ |
| ۳. سبک زندگی | ۱۸ |
| ۱. عوامل مؤثر در رشد سبک زندگی | ۲۰ |
| ۲. علاقه اجتماعی | ۲۶ |
| ۳. اشتباه‌های اساسی | ۲۸ |
| ۴. هدف‌های بدرفتاری | ۲۸ |
| ۵. جلب توجه | ۲۹ |
| ۶. کسب قدرت | ۳۰ |
| ۷. انتقام | ۳۱ |
| ۸. ابراز ناتوانی | ۳۲ |
| ۹. تشخیص هدف‌های بدرفتاری | ۳۳ |
| ۱۰. دلگرمی | ۳۵ |
| ۱۱. تفاوت تحسین و تشویق با دلگرمی | ۳۸ |

| | | |
|----|-------|------------------------------------------------|
| ۴۰ | | شهامت‌پذیرش ناکامل بودن |
| ۴۱ | | روشهای دلگرمی |
| ۴۳ | | ۲. استپ یا گام به گام |
| ۴۳ | | ۱. ۲.۲. تعریف استپ |
| ۴۵ | | شناخت خود به عنوان والد |
| ۴۶ | | پیامدهای طبیعی و منطقی |
| ۴۷ | | تفاوت تنبیه و پیامدهای طبیعی و منطقی |
| ۵۱ | | ارتباط مؤثر |
| ۵۳ | | نشست خانوادگی |
| ۵۴ | | تقویت اعتماد به نفس والدین |
| ۵۵ | | انتخاب راهکار |
| ۵۷ | | ۲. ۲.۲. پیشینه پژوهش در زمینه آموزش گام به گام |
| ۶۲ | | ۳. ۲. تعامل مادر - فرزند |
| ۶۵ | | ۴. ۲. اختلال‌های رفتاری |
| ۶۵ | | ۱. ۲.۴. تعریف |
| ۶۶ | | ویژگی‌های اختلال رفتاری |
| ۶۸ | | انواع اختلال‌های رفتاری |
| ۷۰ | | ۲. ۲.۴. پیشینه پژوهشی اختلال‌های رفتاری |

فصل سوم : روش

| | | |
|----|-------|--------------------------------------------------|
| ۷۴ | | ۱. ۳. طرح پژوهش |
| ۷۵ | | ۲. ۳. جامعه آماری پژوهش |
| ۷۵ | | ۳. ۳. نمونه و روش نمونه‌گیری |
| ۷۵ | | ۴. ۳. ابزارهای پژوهش |
| ۷۵ | | ۱. ۳.۴. پرسشنامه نشانه‌های مرضی کودکان (۴ - CSI) |
| ۷۸ | | ۲. ۳.۴. مقیاس رابطه والد - فرزند |
| ۷۹ | | ۳. ۳.۴. آموزش استپ به والدین در طی ۹ جلسه |
| ۸۰ | | ۵. ۳. روش تحلیل آماری داده‌ها |
| ۸۰ | | ۶. ۳. روش جمع‌آوری داده‌ها |
| ۸۱ | | ۷. ۳. متغیرها |
| ۸۱ | | ۱. ۳.۷. متغیر وابسته |
| ۸۲ | | ۲. ۳.۷. متغیر مستقل |
| ۸۲ | | ۳. ۳.۷. متغیر کنترل |

فصل چهارم: یافته‌ها

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۸۴ | ۱. ۴. مقدمه..... |
| ۸۴ | ۲. ۴. تحلیل توصیفی نتایج..... |
| ۸۶ | ۳. ۴. تحلیل استنباطی داده‌ها..... |

فصل پنجم: یافته‌ها

| | |
|----|-----------------------------|
| ۸۹ | ۱. ۵. بحث و نتیجه‌گیری..... |
| ۹۴ | ۲. ۵. تجارب پژوهشگر..... |
| ۹۵ | ۳. ۵. بحث کلی..... |
| ۹۷ | ۴. ۵. محدودیت‌ها..... |
| ۹۸ | ۵. ۵. پیشنهادها..... |

جداول

| | |
|----|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۸۰ | ۱. (۳) : تعداد دانش‌آموزان دارای اختلالهای رفتاری..... |
| ۸۰ | ۲. (۳) : نقاط برش بهینه فرم والد برای برخی اختلالهای رفتاری..... |
| ۸۴ | ۱. (۴) : جدول فراوانی تحصیلات مادران گروه آزمایش و کنترل..... |
| ۸۵ | ۲. (۴) : جدول فراوانی مقطع تحصیلی کودکان دارای اختلال رفتاری..... |
| ۸۵ | ۳. (۴) : جدول فراوانی درصد تعداد خواهر و برادر افراد گروه نمونه..... |
| ۸۶ | ۴. (۴) : جدول فراوانی کودکان دارای اختلال رفتاری در دو گروه آزمایش و گواه..... |
| ۸۶ | ۵. (۴) : آزمون تحلیل کواریانس پس آزمون تعامل مادر - فرزند با برداشتن اثر پیش‌آزمون..... |

۹۹ منابع

۱۰۶ پیوست الف : جلسه‌های آموزش

..... مقیاس روابط والد - کودک

..... پرسشنامه CSI-4

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش استپ (گام به گام) مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس به مادران بر بهبود تعامل مادر - فرزند در کودکان با اختلال رفتاری می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه فوق نمونه‌ای شامل ۳۰ دانش‌آموز مقطع ابتدائی منطقه ۱۱ شهر تهران با اختلال‌های رفتاری به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایشی ۱۵ نفر و کنترل ۱۵ نفر قرار گرفتند. مادران کودکان گروه آزمایش تحت آموزش برنامه استپ قرار گرفتند. و مادران گروه کنترل تحت هیچ آموزشی قرار نگرفتند. این پژوهش در حیطه تحقیق نیمه‌آزمایشی قرار می‌گیرد و ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه اختلال‌های رفتاری کودکان ۴ - CSI فرم والد برای غربالگری کودکان با اختلال رفتاری که توسط مادران و مقیاس تعامل مادر - کودک می‌باشد که توسط دانش‌آموزان قبل و بعد از آموزش تکمیل می‌گردد. و ۹ جلسه آموزش که توسط پژوهشگر با استفاده از منابع در دسترس استپ در ایران تنظیم گردید. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که تعامل مادر - کودک در کودکانی که مادرانشان تحت آموزش استپ قرار گرفته از کودکانی که مادرانشان تحت آموزش قرار نگرفته بهبود یافته است. می‌توان از این تحقیق نتیجه گرفت که برنامه استپ (گام به گام) که بر اساس اصول رویکرد آدلر و درایکورس تدوین شده است تعامل مادر- کودک را در خانواده‌های دارای فرزندان با اختلال‌های رفتاری در ایران بهبود می‌بخشد.

فصل اول

چارچوب پژوهش

۱.۱. مقدمه

اختلالهای رفتاری کودکان، اختلالهای شایع و ناتوان‌کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده و خود کودکان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند و با میزان بالایی از معضلات اجتماعی همراهند. محققان دریافته‌اند که اختلالهای رفتاری معمولاً نخستین بار در سالهای آغازین دوره ابتدایی مشاهده می‌شود و بین سنین ۸ تا ۱۵ سالگی به اوج خود می‌رسد (شکوهی و پرند، ۱۳۸۴).

مشاهدات علمی نشان می‌دهد که رایج‌ترین مشکلات رفتاری کودکان دبستانی عبارتند از: عدم اطاعت عمومی، مقاومت در مقابل بزرگسالان، پرخاشگری به خواهر یا برادر، عصبانیت - شانه خالی کردن از مسئولیت دروغگویی - و دزدیهای کوچک و... البته فراوانی این مشکلات در بین کودکان مختلف تفاوت دارد (حسینی، ۱۳۷۳ به نقل از صالحی، ۱۳۸۵).

طی سالهای گذشته که توجه به کودک و مسائل مربوط به آن در روان‌شناسی از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است، بیشترین پژوهشها بر روی اختلالهای رفتاری آنها متمرکز گردیده است. در سالهای اخیر نیز پژوهشهای دامنه‌داری درباره علل و عوامل خانوادگی مؤثر در رفتار و طرز فکر کودک انجام شده است. به عنوان مثال در ایران پژوهشهای زیادی در رابطه با شیوه‌های فرزندپروری و اختلالهای رفتاری انجام گرفته است که در مقایسه با پژوهش‌های خارجی تقریباً می‌توان به این نتیجه رسید که یک توافق کلی به وجود آمده و این است که خانواده در پیدایش اختلالهای رفتاری کودکان تأثیر مهمی دارد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۹).

گرچه کودکان در ایجاد مشکلات خود نقشی دارند و مسئولیت بخش عمده مشکلات در رابطه والد - کودک متوجه آنان است، با این وجود والدین هستند که در بهترین موقعیت برای کمک به کودک قرار دارند و می‌توانند اهمیت رابطه را تغییر دهند. در واقع مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد آن دسته از مداخلات

کودک - محوری که نقش والدین در آنها فعال بوده نسبت به مداخلاتی که صرفاً بر روی کودک متمرکز است، کارایی بهتری دارند. از این رو در خانواده‌ای که مشکل رفتاری وجود دارد، ضروری است والدین به منظور بهبود وضعیت، فعالانه مشارکت داشته باشند (بلوم کوئیست^۱، ۱۹۹۹ ترجمه علاقبند راد، ۱۳۸۳).

شلتون^۲ (۱۹۷۳ به نقل از لارسون^۳، ۲۰۰۰) اشاره دارد که تغییرات رفتاری در کودکان به طور مثبت و مؤثری با تغییرات رفتاری در والدینشان ایجاد می‌گردد. همچنین یافته‌های لارسون (۲۰۰۰) نشان داد با تغییر رفتار خودکامه والدین به رفتار آزادمنش در اثر آموزش، اختلال رفتاری برونی شده (پرخاشگری) در کودکان کاهش یافته و تعامل در بین اعضاء خانواده افزایش می‌یابد.

آدلر یکی از نظریه‌پردازانی بود که به رابطه میان والد و فرزند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش نشانه‌های اختلالهای رفتاری کودکان اشاره داشت. از دیدگاه آدلر اصول تربیت نادرست والدین در خانواده می‌تواند باعث بروز، تداوم و تشدید علائمی که با عنوان اختلالهای روانی شناخته شده شود (نورکراس و پروچاسکا^۴، ۱۹۹۹ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱).

درایکورس از مشهورترین شاگردان مکتب آدلر و پدیده آورنده شاخه آموزشی این مکتب در فاصله سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ مراکز راهنمایی کودک را در شیکاگو راهاندازی کرد. وی در این مراکز بر مشاوره خانوادگی و مفهوم دموکراسی در روابط خانوادگی تأکید می‌کرد. او معتقد بود کسانی که از روش آدلر پیروی می‌کنند توانایی آموزش فنون فرزندپروری مؤثر برای گروههای والدین دارند. او چندین مربی تربیت کرد که روش او را آموزش می‌دادند (پرینز و همکاران^۵، ۲۰۰۸).

-
1. Bloomquist
 2. Shelton
 3. Larson
 4. Prochaska & Norcross
 5. Prinz

۲. ۱. بیان مسئله

کارشناسان کودک و خانواده همگی بر این باورند که تعامل، یعنی گذراندن وقت و ایجاد یک رابطه عاطفی قوی بین پدر و مادر و فرزند، اهمیت بسیاری زیادی در رشد روانی کودک دارد. اما اغلب والدین تعامل مناسبی نداشته و از لحاظ عاطفی با فرزندانشان بسیار فاصله دارند. خانواده‌های دارای تعامل منفی و نامناسب بیشترین میزان اختلالات و مشکلات را نشان می‌دهند و کودکانی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند مسلماً دچار مشکلات رفتاری و عاطفی خواهند شد.

کودکان مبتلا به اختلالهای رفتاری چالش‌های فراوانی را برای والدینشان به وجود می‌آورند. این کودکان رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که تأثیری منفی بر اطرافیانشان می‌گذارند و واکنش‌های ناخوشایند این افراد در پاسخ به رفتار آنها نیز متقابلاً به خودشان باز می‌گردد. (بلوم کوئیست، ۱۹۹۹ ترجمه علاقه‌بند راد، ۱۳۸۳).

در چاپ چهاردهم کتابچه آماری و تشخیص اختلالات روان‌پزشکی (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰)

سه نوع اختلال رفتاری شرح داده شده است. این اختلالات عبارتند از:

۱- اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی^۱: کودک مبتلا نمی‌تواند رفتارش را کنترل کند و به آنها

نظم ببخشد.

۲- اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۲: کودک مبتلا بیشتر از همسالان خود رفتارهای لجبازانه و

سرکشانه دارد.

۳- اختلال سلوک^۳: رفتار ضد اجتماعی پایدار که کودک مبتلا دائماً به حقوق دیگران و قوانین

و هنجار اجتماعی تجاوز می‌کند.

1. Attention – Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD)
2. Oppositional Defiant Disorder (ODD)
3. Conduct Disorder (CD)

اگرچه این سه نوع اختلال رفتاری شباهت‌های زیادی با هم دارند، ولی چند مشخصه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در اکثر موارد نیز کودکان بیش از یک نوع از این اختلالات را دارند (بلوم کوئیست، ۱۹۹۹ ترجمه علاقه‌بندراد، ۱۳۸۳).

به اعتقاد آدلر، کودک بدرفتار بیمار نیست بلکه دلگرم نیست. دلگرمی احساس تعلق داشتن مثبت و دلگرمی به اینکه بپذیرد کامل نیست. بنابراین والدین و معلمان مسئولیت دارند این دلگرمی را به کودک بدهند. (دینک‌مایر، وایت و بازلی^۱، ۱۹۹۹).

بعد از آدلر، رادلف درایکورس^۲ به شناخت بدرفتاری کودک پرداخت و دریافت که بدرفتاری کودکان نشانه دلسردی^۳ آنهاست. آنها می‌خواهند به گروه و جمعی تعلق داشته باشند. هنگامی که کودکان نمی‌توانند با رفتار مثبت به احساس تعلق دست یابند، با چهارنوع بدرفتاری عادی سعی می‌کنند آن را محقق سازند. چهار هدف بدرفتاری کودکان عبارتند از: توجه‌طلبی، کسب قدرت، تلافی‌جویی و ابراز بی‌کفایتی. (دبنک مابر و مک‌کی، ترجمه رئیس دانا، ۱۳۸۴).

دلایل چندی برای آموزش مادران برای بهبود تعامل و ارتباطشان با کودک وجود دارد. نخست آنکه، مادر نخستین مراقب کودک است و مراحل اولیه رشد تأثیر قطعی بر شخصیت انسان دارد و بسیاری از مشکلات روان‌شناختی ریشه در این تعامل دارند. دوم آنکه با توجه به تعداد کودکان با اختلال رفتاری، به نظر می‌رسد تنها شیوه‌ای که می‌توان از آن برای یاری رساندن به کودکان بسیاری استفاده کرد آموزش والدین به خصوص مادران به منظور برخورد درست و مؤثرتر با کودکان است. (بلوم کوئیست، ۱۹۹۱، ترجمه علاقه‌بندراد، ۱۳۸۳).

1. Bosley & White & Dinkmeyer
2. Dreikurs
3. Discouragement

یکی از روش‌های آموزشی مهارتها و الگوهای رفتاری جدید به والدین، استفاده از کلاس‌های آموزش فرزندپروری مختلف است که عبارتند از آموزش منظم فرزندپروری مؤثر (استپ یا گام به گام)، آموزش کارآمدی والدین (پت)، فرزندپروری فعال و گروه‌های حمایت از والدین که خود مشکل دارند. تمامی تمرکز برنامه‌ها به درجات مختلفی برای بالا بردن سطح باورهای والدین و روابط آنان با فرزندانشان است. آنان می‌کوشند شیوه‌های ارتباط میان فردی معیوب را که موجب بدرفتاری کودک شده است، تغییر دهند.

«آموزش نظام‌مند فرزندپروری کارآمد» گام به گام (استپ)^۱ یک برنامه استاندارد شده در زمینه آموزش والدین است که توسط دینک‌مایر و مک‌کی^۲ (۱۹۷۶) با استفاده از مفاهیم آدلر و درایکورس برای کمک به والدین تدوین شده تا آنها را در درک رفتار کودکان و برقراری ارتباط مثبت کارآمد سازد. فهم و درک اهداف چهارگانه بدرفتاری، دلگرمی، بهتر کردن ارتباط، روش فرزندپروری دموکراتیک، استفاده از پیامدهای طبیعی و منطقی، تشکیل یک شورای خانوادگی، افزایش اعتماد به نفس والدین، تمایز بین انضباط و تنبیه در گام به گام آموزش داده می‌شود تا والدین در تعاملات خانوادگی خود به کار گیرند (دونالدکلی^۳، به نقل از صالحی، ۱۳۸۵). ریچی و پارتین^۴ (۱۹۹۴) گزارش می‌دهند که استپ پرتفردارترین برنامه در میان مشاوران مدرسه است (اسنو^۵ و همکاران، ۱۹۹۷).

با توجه به مطالبی که اشاره شد سؤال اصلی این تحقیق پاسخ به این مسئله است که: «آیا آموزش والدین با برنامه استپ مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر بهبود تعامل مادر فرزندی کودکان دارای اختلالهای رفتاری تأثیر دارد؟»

-
1. Systematic Training For Effective Parenting
 2. Dinkmeyer & Mckay
 3. Kelly
 - 4 . Ritchi & Partin
 5. Snow & Keren & Penik

۳. ۱. ضرورت تحقیق

مطابق آمارهای به دست آمده از پژوهشهای همه گیرشناسی، حدود ۲۵ درصد کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند. کودکان مبتلا به اختلالهای رفتاری، چالشهای فراوانی را برای والدین خود به وجود می آورند. این کودکان رفتارهایی از خود نشان می دهند که تأثیری منفی بر اطرافیانشان (والدین، دوستان و معلمین) می گذارند و واکنشهای ناخوشایند این افراد در پاسخ به رفتار آنها نیز متقابلاً به خودشان باز می گردد (بلوم کوئیست، ترجمه علاقه بند راد، ۱۳۸۳).

طی سالهای گذشته که توجه به کودک و مسائل مربوط به آن در روان شناسی از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است. بیشترین پژوهشها بر روی اختلالهای رفتاری آنها متمرکز گردیده است. (سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۹).

پژوهشهای بسیاری در زمینه تأثیر و استفاده از رویکرد آدلر در تغییر شیوههای تعامل والد - کودک انجام شده است. ولی در ایران در زمینه استفاده از روشهای فرزندپروری کارآمد و یا استفاده از روشهای ارتباط مؤثر برای آموزش به خانوادهها و بررسی تأثیر آن در بهبود تعامل والد - کودک تحقیقات بسیار کمی صورت گرفته است. پژوهش حاضر که به رویکرد آدلر توجه دارد، درصدد است بر اساس اصول مکتب آدلر و درایکورس و با استفاده از برنامههای استپ، آموزش فرزندپروری کارآمد، جلسات آموزشی برای مادران کودکان دارای اختلال رفتاری در رابطه با روشهای ارتباطی مؤثر و پرورش کودکان مسئول و شاد تدارک ببینند.

۴. ۱. متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: در این پژوهش، متغیر مستقل آموزش والدین با استفاده از برنامه گام به گام (استپ) مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس است که در طی ۹ جلسه با حضور مادران دارای کودکان با اختلال رفتاری انجام می‌شود.

متغیر وابسته: در این پژوهش، متغیر وابسته، تعامل مادر - کودک است که تأثیر آموزش والدین بر روی آن مدنظر است.

۵. ۱. هدف تحقیق

هدف این تحقیق بررسی اثربخشی آموزش والدین با برنامه استپ مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر بهبود تعامل مادر - کودک در خانواده‌های دارای کودکان با اختلال رفتاری می‌باشد.

۶. ۱. فرضیه تحقیق

بر اساس موضوع پژوهش، فرضیه مورد بررسی به شرح زیر می‌باشد:

«آموزش والدین با برنامه استپ مبتنی بر رویکرد آدلر، درایکورس باعث بهبود تعامل مادر - کودک در خانواده‌های دارای کودکان با اختلالهای رفتاری می‌شود».

۱.۷. تعریف مفاهیم

۱.۷.۱. تعریف آموزش والدین با برنامه استپ

تعریف نظری: «آموزش نظام‌مند فرزندپروری کارآمد» گام به گام (استپ)^۱ یک برنامه استاندارد شده در

زمینه آموزش والدین است که توسط دینک‌مایر و مک‌کی^۲ (۱۹۷۶) با استفاده از مفاهیم آدلر و درایکورس برای

کمک به والدین تدوین شده تا آنها را در درک رفتار کودکان و برقراری ارتباط مثبت کارآمد سازد.

درک و شناخت کودک، درک و شناخت خود به عنوان والد، روش فرزندپروری دموکراتیک، شناخت و

تشخیص هدف‌های بدرفتاری کودکان (جلب توجه، کسب قدرت، انتقام و ابراز بی‌کفایتی) و تبدیل به

معادل‌های مثبت آنها (مشارکت، عدم وابستگی، انصاف، شایسته‌بودن)، دلگرمی، تقویت اعتماد به نفس والدین،

پیامدهای طبیعی و منطقی، ارتباط مؤثر، نشست خانوادگی، حل مشکل در فضای دموکراتیک و انتخاب راهکار

در استپ به والدین آموزش داده می‌شود. تا والدین در تعاملات خانوادگی خود به کار برند. (دینک‌مایر و

مک‌کی، ترجمه رئیس‌دانا، ۱۳۸۴).

تعریف عملیاتی: موضوعات آموزشی که توسط پژوهشگر براساس منابع در دسترس استپ تنظیم شده

و در ۹ جلسه به صورت هفتگی و به مدت یک روز در هفته و هر روز یک ساعت و نیم به مادران دارای

کودکان با اختلال‌های رفتاری آموزش داده می‌شود.

1. Systematic Training For Effective Parenting.
2. Dinkmeyer & Mckay

۲.۷.۱. تعامل مادر - کودک

تعریف نظری : منظور از تعامل مادر - کودک، روش تعامل و ارتباط مادر و کودک می‌باشد و به

چگونگی روابط هیجانی آنها ارتباط دارد (به نقل از ناصری‌زاده، ۱۳۸۵).

تعریف عملیاتی : منظور نمره بدست آمده از تست تعامل والد - کودک است که قبل و پس از

جلسه‌های آموزشی به کودکان با اختلال رفتاری برای پاسخگویی ارائه می‌شود.

۳.۷.۱. اختلال‌های رفتاری

تعریف نظری : عبارت است از شرایطی که در آن یک یا چند مورد از ویژگی‌های ذیل در طول مدت

زمان و تا حد قابل توجهی که بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموز اثر می‌گذارد تظاهر می‌کند:

۱. نارسایی در یادگیری که نمی‌توان آن را ناشی از عوامل حسی، هوشی و یا سایر عوامل

مربوط به سلامت دانست.

۲. نارسایی در ایجاد و حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش با دوستان و معلمان و

خانواده.

۳. انواع نامناسبی از رفتار یا احساسات در شرایط با دوستان و خانواده.

۴. خلق فراگیر کلی غمگین یا افسرده.

۵. داشتن نشانه‌های جسمی یا ترس‌های مرتبط با مشکلات شخصی یا مدرسه.

اختلالهای اسکیزوفرنی شامل این اختلال نمی‌شود و همچنین کودکانی که از نظر اجتماعی و هیجانی اختلال جدی دارند در این طبقه قرار نمی‌گیرند (قانون آموزش افراد با نارسایی‌ها، به نقل از ترنبال، شنک و لیل، ۱۹۹۵).

تعریف عملیاتی: منظور نمره بدست آمده از پرسشنامه علائم مرضی کودکان (فرم والد) (CSI-۴) برای

شناسایی کودکان با اختلال رفتاری که توسط مادران تکمیل می‌شود.

فصل دوم

پیشینه پژوهش